



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۲۰ اسفند ۱۳۹۱
مصادف با: ۲۷ ربیع الثانی ۱۴۳۴
جلسه: ۲۸

موضوع کلی: توثیقات خاصه و عامه
موضوع جزئی: راه‌های توثیق عام- مشایخ ثقات
سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث در بعضی از اشخاص بود که در مورد آنها ادعا شده «لا یروون الا عن ثقة».

۲- بنو فضال

برای وثاقت بنو فضال به حدیثی استناد شده که شیخ طوسی آن را در کتاب غیبت نقل کرده است، شیخ طوسی در این کتاب از عبدالله کوفی خادم حسین بن روح از نواب امام زمان (عج) این روایت را نقل می‌کند: «قال سئل الشیخ عن کتب ابن ابی العزافر بعد ما ذمّ و خرجت فیه اللعنة، فقیل له فکیف نعمل بکتبه و بیوتنا منها ملاً؟ فقال الشیخ: اقول فیهما ما قاله ابو محمد الحسن بن علی (علیه السلام) و قد سئل عن کتب بنی فضال فقیل له کیف نعمل بکتبهم و بیوتنا منها ملاً؟ فقال (علیه السلام): خذوا بما رووا و ذروا ما رأوا»؛ عبدالله کوفی می‌گوید از شیخ حسین بن روح نوبختی در مورد کتب ابن ابی عزافر سؤال شد بعد از آنکه نسبت به او لعنت و مذمت پیش آمد. از شیخ حسین بن روح پرسیده شد که حال با کتب ابن ابی عزافر چه کنیم در حالی که خانه‌های ما از این کتابها پر است. حسین بن روح در پاسخ به این سائل می‌گوید من همان چیزی را می‌گویم که امام حسن بن علی العسکری (ع) وقتی از او در مورد کتب بنی فضال سؤال شد، که ما چگونه به کتب اینها عمل کنیم در حالی که خانه‌های ما از این کتب پر است؟ امام (ع) در پاسخ به این سؤال فرمودند به آنچه که آنها روایت کرده‌اند اخذ کنید و آنچه که آنها رأی و نظر داده‌اند رها کنید و از آن دور شوید.^۱ طبق این روایات به آنچه که بنو فضال روایت کرده‌اند می‌شود اخذ کرد اما به آنچه که آنها به آن عقیده دارند نمی‌شود اخذ کرد و باید آن را رها کرد چون بنو فضال از نظر عقیده فاسد المذهب بوده ولی وثاقت داشته‌اند. شیخ انصاری در فرعی در کتاب صلوة به روایتی استناد کرده و می‌گوید: «و هذه الروایة و ان کانت مرسله الا انّ سندھا الی الحسن بن فضال صحیح و بنو فضال ممّن أمروا بالاخذ بکتبهم و روایاتهم»^۲؛ این روایت اگر چه مرسل است ولی سند آن به حسن بن فضال بر می‌گردد و این سند صحیح است و بنو فضال از کسانی هستند که به اخذ به کتب و روایات آنها امر شده است.

حال باید ببینیم آیا این روایت اثبات می‌کند که «انهم لا یروون الا عن ثقة»؟ به نظر می‌رسد که چنین استفاده‌ای از این روایت نمی‌شود. بله با این روایت وثاقت خود بنو فضال ثابت می‌شود یعنی آنها در نقل روایت ثقة‌اند، علت اینکه در مورد

۱. کتاب الغیبة، ص ۲۳۹.

۲. کتاب الصلاة، ص ۱.

آنها چنین چیزی گفته شده به خاطر فساد عقیدتی آنها بوده که حضرت فرموده‌اند با اینکه بنو فضال فساد عقیدتی دارند اما ثقه‌اند و فساد عقیده آنها به حجیت روایات آنها ضرری نمی‌زند چون آنچه در روایت مهم است وثاقت است و این روایت وثاقت آنها را ثابت می‌کند و بیش از این از این روایت استفاده نمی‌شود و این روایت به هیچ وجه بر این مطلب دلالت ندارد که بنو فضال «لایروون الا عن ثقة»، بنابراین در مورد بنو فضال ما نمی‌توانیم حکم کنیم که «انهم لایروون الا عن ثقة».

۳- جعفر بن بشیر

نجاشی درباره او می‌گوید: «انه من زهاد اصحابنا و عبادهم و نساكهم و كان ثقة، روى عن الثقات و روى عنه»^۱؛ جعفر بن بشیر اهل زهد و عبادت و مناسک است و ثقه می‌باشد، او از ثقات روایت نقل کرده و ثقات هم از او روایت نقل کرده‌اند. با تمسک به این عبارت هم خواسته‌اند وثاقت را هم در طبقه مشایخ جعفر بن بشیر و هم در طبقه شاگردان او ثابت کنند. بعضی از جمله حاجی نوری به استناد این عبارت نجاشی قائل به این شده‌اند که این شخص «لایروی الا عن ثقة»، لذا حاجی نوری ادعا می‌کند هر کس که جعفر از او روایت نقل کند ثقه است.^۲

مرحوم آقای خویی دو اشکال به این بیان دارد دال بر اینکه با عبارت نجاشی نمی‌توان نتیجه گرفت که جعفر بن بشیر «لایروی الا عن ثقة»:

اشکال اول:

عبارت نجاشی که می‌گوید «روى عن الثقات» به هیچ وجه دلالت بر حصر ندارد، اگر گفته می‌شود که جعفر بن بشیر از ثقات روایت نقل می‌کند به این معنی نیست که از غیر ثقه روایت نقل نمی‌کند و این عبارت با «انما یروی عن الثقات» فرق می‌کند، چون اگر کسی غالباً از ثقات روایت نقل کند باز هم می‌توان درباره او گفت «یروی عن الثقات»، اما این لزوماً به معنای حصر روایت از ثقات نیست، بلکه اگر عبارت این بود که «انما یروی عن الثقة» یا «لایروی الا عن الثقة» در این صورت می‌شد از آن استفاده کرد که جعفر بن بشیر از غیر ثقه روایت نقل نمی‌کند. پس چنین دلالتی از این عبارت استفاده نمی‌شود، شاهد بر این مطلب هم جمله بعدی نجاشی است که می‌گوید: «رووا عنه» که اگر به سیاق عبارت «یروی عن الثقات» بخواهد از این عبارت هم استفاده حصر شود به این معنی خواهد بود که همه کسانی که از جعفر بن بشیر روایت نقل می‌کنند ثقه هستند در حالی که قطعاً این گونه نیست و ما حتی در مورد خود ائمه (ع) هم نمی‌توانیم بگوییم فقط ثقات از آنها روایت نقل کرده‌اند چون موارد زیادی وجود دارد که ضعیف، از ائمه (ع) روایت نقل کرده‌اند، پس وقتی در مورد ائمه (ع) نمی‌توان گفت که فقط ثقات از آنها روایت نقل کرده‌اند در مورد سایرین به طریق اولی باید گفته شود که این گونه نبوده که فقط ثقات از آنها روایت نقل کرده باشند، پس معلوم می‌شود عبارت «رووا عنه» دال بر این است که غالباً ثقات از

۱. رجال نجاشی، ج ۱، ص ۲۹۸، رقم ۳۰۴.

۲. مستدرک، ج ۳، ص ۷۷۷.

او روایت نقل کرده‌اند نه اینکه فقط ثقات از او روایت نقل کرده باشند پس چون این عبارت دلالت بر حصر ندارد جمله اول «روی عن الثقات» هم دلالت بر حصر نخواهد داشت. لذا با توجه به این مطلب ما نمی‌توانیم بگوییم عبارت نجاشی که می‌گوید «روی عن الثقات» دلالت بر این دارد که همه مشایخ جعفر بن بشیر ثقه باشند.

اشکال دوم:

موارد نقضی وجود دارد که ثابت می‌کند که جعفر بن بشیر از افراد ضعیف روایت نقل کرده و با وجود ضعیف، کلام حاجی نوری که خواسته از عبارت نجاشی وثاقت مشایخ جعفر بن بشیر را استفاده کند، نقض می‌شود. از جمله کسانی که جعفر بن بشیر از آنها روایت نقل کرده صالح بن حکم است که توسط خود نجاشی تضعیف شده است^۱، همچنین جعفر بن بشیر از عبدالله بن محمد جعفی هم روایت نقل کرده که این شخص هم از طرف نجاشی تضعیف شده است.^۲ بنابراین با توجه به این دو اشکال نمی‌توان در مورد جعفر بن بشیر گفت «لایروی الا عن ثقه».

۴- محمد بن اسماعیل بن میمون زعفرانی

نجاشی درباره او می‌گوید: «روی عنه الثقات و روی عنهم»^۳، شبیه آنچه که صاحب مستدرک درباره جعفر بن بشیر گفت به استناد این عبارت نجاشی، در مورد محمد بن اسماعیل هم می‌گوید «لایروی الا عن ثقه»^۴.

به نظر می‌رسد در مورد این شخص هم نمی‌توان قائل شد به اینکه «لایروی الا عن ثقه»، چون از دو اشکالی که در مورد جعفر بن بشیر ذکر شد اشکال اول به محمد بن اسماعیل وارد است و آن اینکه عبارت نجاشی که می‌گوید: «روی عنهم» دلالت بر حصر ندارد. بنابراین وثاقت مشایخ محمد بن اسماعیل هم ثابت نمی‌شود. اما اشکال دوم بر این شخص وارد نیست چون افراد ضعیفی که محمد بن اسماعیل از آنها نقل کرده باشد یافت نشده چون از محمد بن اسماعیل فقط یک روایت در کتب اربعه نقل شده و آن هم از حماد بن عیسی نقل کرده که او هم ثقه است.^۵ لذا ادعای «لایروی الا عن ثقه» در مورد محمد بن اسماعیل هم مخدوش است.

تا اینجا از چهار نفری که ذکر شد فقط در مورد نفر اول یعنی علی بن حسن طائی می‌توان گفت «لایروی الا عن ثقه» اما این قاعده در مورد بقیه جاری نمی‌شود.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. رجال نجاشی، ج ۱، ص ۴۴۴.

۲. همان، ص ۳۱۵.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۳۸.

۴. مستدرک، ج ۳، ص ۷۷۷.

۵. التهذیب، ج ۴، ص ۱۱۱.